

## ۴۷ - دین برای اتحاد بشر است آنرا سبب اختلاف نکنید بلکه بآن اختلاف را زائل نمائید و همه با یکدیگر معاشرت کنید

و نیز از حضرت بهاء الله در لوحی است قوله تعالی: لا تجعلوا دین الله سبباً لاختلافکم انه نزل بالحق لاتحاد من فی العالم اتقوا الله و لا تكونوا من الجاهلین .

**و قوله الاعظم الاثم:** الیوم دین الله و مذهب الله آنکه مذاهب مختلفه و سبل متعدده را سبب و علت بغضاء ننمائید این اصول و قوانین و راههای محکم متین از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مشرق این اختلافات نظر به مصالح وقت و زمان و قرون و اعصار بوده ای اهل بهاء کمر همت را محکم نمائید که شاید جدال و نزاع مذهبی از بین اهل عالم مرتفع شود و محو گردد حباً لله و لعباده بر این امر عظیم خطیر قیام نمائید ضغینه و بغضای مذهبی ناری است عالم سوز اطفای آن بسیار صعب مگر ید قدرت الهی ناس را از این بلاء عقیم نجات بخشد .

**و قوله الاعظم الاقوم:** ای دوستان امروز باب آسمان به مفتاح اسم الهی گشوده و بحر جود امام وجوه ظاهر و موج و آفتاب عنایت مشرق و لائح خود را محروم ننمائید و عمر گرانمایه را بقول این و آن تمام مکنید کمر همت محکم نمائید و در تربیت اهل عالم توجه کنید دین الهی را سبب اختلاف و ضغینه و بغضاء مدانید لسان عظمت میفرماید آنچه از سماء مشیت در این ظهور امنع اقدس نازل مقصود اتحاد عالم و محبت و وداد اهل آن بوده باید اهل بهاء که از رحیق معانی نوشیده اند بکمال روح و ریحان با اهل عالم معاشرت نمایند و ایشان را متذکر دارند به آنچه که نفع آن بکل راجع است این است وصیت مظلوم اولیاء و اصفیای خود را عالم به محبت خلق شده و کل به وداد و اتحاد مأمورند

**و قوله الاحق الاصدق:** حضرت موجود میفرماید ای پسران انسان دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت اهل عالم است او را سبب و علت نفاق و ضغینه و بغضاء ننمائید این است راه مستقیم و اس محکم متین آنچه بر این اساس گذاشته شود حوادث دنیا او را حرکت ندهد و طول زمان او را از هم نریزند .

**و قوله الاكّد الاثبت:** دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت نازل گشته و ظاهر شده او را علت اختلاف و نفاق نکنید سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نیز اتحاد دین الهی و شریعت ربّانی بوده و نموّ عالم و تربیت امم و اطمینان و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی است سبب اعظم از برای این عطیة کبری کأس زندگانی بخشد و حیات باقیه عطا فرماید و نعمت سرمدیه مبذول دارد رؤسای ارض مخصوص مظاهر عدل الهی در صیانت این مقام و علو و حفظ آن جهد بلیغ باید مبذول دارند .

**و قوله الحق:** بنام خداوند یکتا ای اهل عالم بعد از کشف حجاب جمعی به آیات متمسک آیات نازل نمودیم و برخی به بینات متشبّث آنرا اظهار داشتیم و حزبی به احکام متوجّه شطری اعظم از آن ظاهر فرمودیم آنچه که خواستند مجری شد و هر چه گفتند به اصغاء فائز مقصود از جمیع آنچه ظاهر شد آنکه گوشها مستعدّ شود از برای یک کلمه علیا و آن این است یا ملاء الارض لا تجعلوا دین الله سبباً للبعضاء و اگر این کلمه در عالم محلّ اخذ نماید کلّ خود را فارغ و مستریح مشاهده نمایند بگو لعمر الله مذهب الهی و دینش از برای اتحاد و اتفاق آمده نه از برای اختلاف و نفاق یشهد بذلک امّ الكتاب و القوم هم لا یسمعون .

**و قوله الصّدق:** مقصود این مظلوم از اول ایام الی حین آنکه مذهب الله را سبب بغضاء نمایند و با من علی الارض به روح و ریحان عمل نمایند و معاشرت کنند مگر نفوسی که رائجه ضغینه از ایشان منتشر گردد در این صورت اجتناب لازم .

**و در کتاب عهدی است قوله الاکرم:** ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف منمائید نزد صاحبان بصر و اهل منظر اکبر آنچه سبب حفظ و علت راحت و آسایش عباد است از قلم اعلی نازل شده ... امید آنکه اهل بهاء بکلمة مبارکه قل کلّ من عند الله ناظر باشند و این کلمة علیا بمثابه آب است از برای اطفاء نار ضغینه و بغضاء که در قلوب و صدور مکنون و مخزون است احزاب مختلفه ازین کلمة واحده بنور اتحاد حقیقی فائز میشوند انه یقول الحق و یهدی السبیل .

**و قوله الاسنی:** دین الهی را سبب اختلاف و ضغینه و بغضاء ندانید لسان عظمت میفرماید آنچه از سماء مشیت درین ظهور امنع اقدس نازل مقصود اتحاد اهل عالم و محبت و وداد اهل آن بوده باید اهل بهاء که از ریحیق معانی نوشیده‌اند به کمال روح و ریحان با اهل عالم معاشرت نمایند ایشانرا متذکر دارند به آنچه که نفع آن به کل راجع است این است وصیت مظلوم اولیاء و اصفیاء خود را

**و در لوح اشراقات است. قوله الاعظم الانور:** حزب الله جهد بلیغ مبذول دارند که شاید ضغینه و بغضاء که در صدور احزاب مکنون است به کوثر بیان و نصایح مقصود عالمیان ساکن شود و اشجار وجود به اثمار بدیعه مزین گردد انه هو الناصح المشفق الکریم.

**و قوله الاعظم:** اگر علمای عصر بگذارند و من علی الارض رائحة محبت و اتحاد را بیابند در آن حین نفوس عارفه بر حریت حقیقی آگاه شوند و راحت اندر راحت مشاهده نمایند و آسایش اندر آسایش اگر ارض به انوار آفتاب این مقام منور شود اذاً یصدق ان یقال لا تری فیها عوجاً و لا امتاً.

**و قوله الرفع:** درین صبح نورانی لسان بیان الهی باین کلمه نورانی ناطق ای اهل ارض تمسک نمائید به آنچه که سبب رفع اختلاف است تا جمیع احزاب به راحت حقیقی و آسایش دائمی فائز گردند ظهور مظاهر سبب و علت اتحاد بوده و هست ولکن عباد جاهل سبب اختلاف نموده‌اند بگو ای اهل ارض کلمه حق را بشنوید و به آن تمسک نمائید.

**و قوله الاعز:** بگو یا حزب الله و احزاب مختلفه عالم بر نصرت قیام نمائید و عالم محبت و وداد را از آرایش عصیان و بغضاء مطهر سازید شاید نفس راحتی از نفوس برآید و به حریت حقیقی فائز گردند قسم به آفتاب حقیقت بهاء مقصودی نداشته و ندارد جز تطهیر عالم از اموراتی که سبب ضرر و بأس و یأس بوده و به قوت و قدرت قلم اعلی قیام نمائید که شاید این قصد ظاهر شود و عالم را فائز نماید.

**و در کتاب اقدس است قوله تعالی:** عاشروا مع الادیان بالروح و الریحان لیجدوا منکم عرف الرحمن ایاکم ان تأخذکم حمیة الجاهلیة بین البریة کلّ بدء من الله و یعود الیه انه لمبدء الخلق و مرجع العالمین.

**و در خطاب به بهائیان دهج از حضرت عبدالمهتاء است . قوله اللطيف :** و بجان و دل بکوشند تا الفت کلیه و محبت صمیمیه و ارتباط روحانیه در بین قلوب حاصل گردد و جمیع بشر از فیض جدید انور در یک صقع جمع و محشور گردند نزاع و جدال از جهان برخیزد و محبت جمال ذوالجلال کل را احاطه کند نفاق به وفاق تبدیل شود و اختلاف بایتلاف مبدل گردد بنیان بغضاء برافتد و اساس عداوت منهدم شود نورانیت توحید ظلمات تحدید را زائل فرماید و تجلی رحمانی قلوب انسانی را معدن محبت رحمانی کند . ای یاران الهی وقت آنست که با جمیع ملل به نهایت مهربانی الفت نمائید و مظهر رحمت حضرت احدیت شوید جان عالم گردید و روح حیات در هیکل بنی آدم .

**و در لوحی دیگر قوله الاعز :** عاشروا یا احبائی بالروح و الريحان کلّ الاديان اياکم ان تجعلوا کلمة الله علةً لاختلافکم او سبباً لظہار البغضاء بینکم قل اتقوا الله یا ملأ الارض و لا تكونوا من الغافلين .

**و قوله جل کبریاؤه :** هو التاصح الامین . عالم را به مثابه هیکل انسانی ملاحظه کن و این هیکل بنفسه صحیح و کامل خلق شده و لکن به اسباب متغایره مریض گشته و لازال مرض او رفع نشده چه که بدست اطبای غیر حاذقه افتاده و اگر در عصری از اعصار عضوی از اعضای او بواسطه طبیی حاذق صحت یافت عضوهای دیگرش به امراض مختلفه مبتلا بوده و حال در دست نفوسی افتاده که از خمر غرور تربیت یافته‌اند و اگر هم بعضی ازین نفوس فی الجملة در صحت آن سعی نمایند مقصود نفعی است اسماً یا رسماً بایشان راجع شود چنین نفوسی قادر بر رفع امراض بالکلیه نبوده و نخواهند بود الا علی قدر معلوم و دریاق اعظم که سبب و علت صحت اوست اتحاد من علی الارض است بر امر واحد و شریعت و آداب واحده و این ممکن نه مگر به همت طبیب حاذق کاملی که مخصوص نظم عالم و اتحاد اهل آن از شطر قدم بعرضه عالم قدم گذارد و هر هنگام که چنین نور از مشرق اراده الهیه اشراق فرمود و طبیب حاذق از مطلع حکمت ربانیه ظاهر شد اطبای مختلفه به مثابه سحاب ، حجاب اشراقات و تجلیات آن نور شدند لذا اهل ارض به اختلافات خود باقی ماندند و مرض عالم رفع نشد و صحت نیافت آن اطبای که قادر بر این امر خطیر نبوده و این طبیب را هم از معالجه منع نمودند و حجابهای مانع حائله شدند درین ایام ملاحظه کن که جمالقدم و اسم اعظم کشف حجاب فرموده و نفس خود را لأجل حیات عالم و اتحاد و نجات اهل آن فدا نموده معذک کل بر ضرش قیام نمودند

تا آنکه بالاخره در سجنی که در اهرب بلاد واقع است مسجون شده و ابواب خروج و دخول را مسدود کرده‌اند یار را اغیار دانسته‌اند و دوست را دشمن شمرده‌اند مصلح را مفسد گمان نموده‌اند .